

از ، ج - پ - ژوکف

G. P. Zhukov

ترجمه از : دکتر محمود حیدریان

اصول اساسی حقوق فضا

(۲)

غیر نظامی کردن نسبی فضا و غیر نظامی کردن

کامل کرات آسمانی

اصل غیر نظامی کردن فضا بطور نسبی و غیر نظامی کردن کامل کرات در ماده چهارم پیمان مطرح شده است . غیر نظامی کردن فضا و کرات آسمانی یعنی تحریم تعقیب فعالیت های نظامی در زمان صلح ، و در مورد غیر نظامی کردن نسبی ، در قرار داد بین المللی زمینه فعالیت هایی که دولت ها می توانند دنبال کنند تصریح شده است . اما غیر نظامی کردن کامل ، تمام فعالیت های نظامی را در زمان صلح ممنوع میکند . بیطرفی سیاسی فضا و کرات آسمانی یعنی خارج از محدوده گذاردن آنها از حوزه عملیات جنگ بطور کامل و یا بصورت نسبی هنگام مبارزات مسلحانه . پیمان ، دول امضاء کننده را موظف می دارد که هیچ جسمی را که حامل سلاح هسته ای یا هر نوع سلاحی که قدرت تخریبی عظیم داشته باشد ، در مدار زمین قرار ندهند و نیز هیچیک از سلاح های مذکور را در کرات دیگر آسمان و یا در هر موقعیت دیگری در فضا مستقر نسازند .

بدین ترتیب موافقت نامه ۱۸۸۴ « هیجدهمین اجلاس مجمع عمومی » را در مورد پیمان

می‌توان تأمین شده تلقی کرد . افزودن اصل مربوط به غیر نظامی کردن نسبی فضا به موافقت نامه ، قدم بزرگی بسوی محدود نمودن انتشار و پخش سلاحهای هسته‌ای در فضای ماوراء جو می‌باشد .

غیرنظامی کردن کامل ماه و کرات دیگر آسمانی نیز حائز کمال اهمیت است . قرارداد صریحاً متذکر می‌شود که دول تحت پیمان فقط برای مقاصد صلح جویانه می‌توانند از ماه و کرات دیگر آسمانی استفاده نمایند . ایجاد پایگاههای نظامی و استقرار و تقویت این پایگاهها در کرات و یا هر نوع آزمایش این سلاحها و هر مانوری ممنوع می‌باشد . معهداً قرارداد اجازه می‌دهد که کارمندان نظامی برای تحقیقات علمی و یا هر نوع مقاصد صلح جویانه استخدام شوند و نیز استفاده از هر نوع تجهیزاتی که برای تجسسات صلح جویانه درماه و یا در کرات دیگر باشد ممانعت نمی‌کند .

اگر غیرنظامی کردن کامل فضا در آینده به تصویب برسد اصل مربوط به غیر نظامی کردن نسبی فضا و غیر نظامی کردن کامل کرات آسمانی به اصل استفاده از فضا که منحصرأ برای مقاصد صلح جویانه باشد تبدیل خواهد شد .

چنین قراردادی در حال حاضر وجود ندارد و بنا براین مدارك بین‌المللی تجسسات و تحقیقات صلح جویانه را بعنوان هدفی که تمام ملل برای رسیدن به آن باید کوشش نمایند پیشنهاد می‌کند .

غیر نظامی کردن کامل فضای ماوراء جو دول را ملزم بموافقت در موارد ذیل مینماید :

۱ - ملل نباید در مدار زمین ، ماه و کرات دیگر آسمانی اقمار نظامی قرار دهند .
۲ - ملل نباید از فضا برای (ویا در هنگام) مانورهای ارتشی و یا آزمایش هر نوع سلاح (موشکهای جنگی ، ابزار و ادوات جنگی هوایی و فضائی و غیره) استفاده نمایند .

اتحاد جماهیر شوروی همیشه طرفدار اختصاص فضا و کرات آسمان برای مقاصد مسالمت‌آمیز بوده است و در مارس ۱۹۵۸ برای اولین بار این نکته را پیشنهاد نمود که اصول اساسی آن تحریم استفاده از فضا برای مقاصد نظامی بود و متعاقب آن شوروی پیشنهاداتی که شامل برنامه خلع سلاح کامل و عمومی بود مطرح ساخت .

در ماده پانزدهم از طرح قرارداد شوروی راجع به خلع سلاح کامل و عمومی تحت یک بررسی دقیق که در ۱۴ مارس ۱۹۶۲ مطرح شد چنین ذکر شده است :

۱- « موشکها و ابزار و ادوات فضائی منحصرأ باید برای مقاصد صلح آمیز به فضا پرتاب شوند » .

۲ - « سازمان خلع سلاح بین‌المللی باید برای اجرای ماده فوق در پایگاههای محل پرتاب موشکها که فقط برای مقاصد صلح جویانه باشند یک گروه کارشناس مأمور بررسی و کنترل مستقر سازد که بتوانند در هنگام پرتاب موشکها وسفائن آنها را دقیقاً آزمایش و بازرسی بنمایند » .

ماده چهاردهم طرح تصریح می نماید که دول تحت قرارداد که موشک هائی را برای مقاصد صلح جویانه پرتاب می نمایند قبلاً باید مراتب را بسازمان خلع سلاح بین المللی اطلاع دهند .

اگر دولت ها می توانستند برای انهدام موشکهای جنگی بتوافق برسند وسی خود را برای تأسیس هیأت نظارت بین المللی درمورد پرتاب موشکها و ابزار فضائی منحصرأ برای مقاصد صلح جویانه مصروف دارند درچنین شرایط نه تنها می توانستند طرح خلع سلاح کامل فضا را عملی کنند بلکه به هدف بیطرف ساختن سیاسی آن نیز نائل می شدند .
بیطرفی کامل فضای ماوراء جو موجب احتراز از سوء استفاده از فضا در زمان جنگ در موارد زیر می گردد :

۱ - پرتاب سفائن و ادوات فضائی نظامی برای حمله و انهدام دشمن .

۲ - اجراء عملیات جنگی .

۳ - پرتاب و یا آتش کردن موشکهای جنگی از طریق فضا برای هدف گیری ممالک دیگر . بیطرف سازی نسبی فضا یعنی تحریم فعالیت های فضائی که در قراردادهای بین المللی مشخص گردیده اند .

نویسندگان غربی بخصوص آمریکائی اغلب مدعی هستند که استفاده از فضا منحصرأ برای مقاصد صلح جویانه ، غیرقانونی است زیرا موجب محدود کردن حق دول درمورد دفاع از خویش می باشد که درحقوق بین الملل و در ماده ۵۱ از منشور سازمان ملل تضمین شده است . معهدا ایشان این حقیقت غیر قابل انکار را نادیده می گیرند که حق دفاع دول چه در برابر افراد و چه بصورت دسته جمعی بمعنی دارا بودن حقی نامحدود نیست تا ایشان بتوانند ازهر شیوه و مکان و یا وسائلی استفاده بنمایند . چنین آزادی محدودیت هائی را نیز دربردارد که بعنوان مثال موارد زیر را میتوان متذکر شد : مقاله نامه ژنو برای تحریم استفاده از گازهای سمی خفه کننده و یا هر نوع گاز دیگر و شیوه های استفاده از میکرب ها برای مقاصد جنگی که در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ بتصویب رسید و همچنین در قرار داد ۱۹۵۹ قطب جنوب این چنین محدودیت هائی هیچگاه متناقض حق دفاع تلقی نگردیده است .

حدود صلاحیت قضائی دول نسبت به حفظ و ابقاء اجسامی که

به فضا پرتاب می کنند

درماده هشتم قرارداد امورفضائی چنین نوشته شده است : دولت متعهد پیمان که جسمی را بقضا پرتاب می نماید صلاحیت قضائی کنترول آن جسم و سر نشینان ومسافران این سفائن را حتی مادامی که این سفائن درفضا و یا درسطح کرات آسمانی باشند دارد . مالکیت اجسام پرتاب شده بقضا که شامل اجسامی که برسطح کرات نشانه شده و یا ساخته شده است وهمچنین قسمتهائی از این اجسام که بزمین عودت داده میشوند چنانچه خارج از محدود دولت متعهد

بسطح زمین فرود آید متعلق به آن دولتی است که مالکیت جسم و یا قطعات آنرا دارد و حق دارد که قبل از فرود جسم بر سطح زمین با ارائه دادن شواهد و مدارک که هویت جسم را مشخص می‌سازد تقاضای استرداد آن جسم را بنماید .

بنا بر این پیمان ، اجسام پرتاب شده را در قلمرو قضائی دولت مالک آن می‌شناسد . و این شامل خود جسم و کلیه سرنشینان آن می‌باشد . اما با این وجود جوابگوی این مسئله نیست که اگر جسم مذکور که خود و سرنشینانش در قلمرو قضائی يك دولت است وقتی وارد فضای کشور دیگری شد چه موقعیتی پیدا میکند . این شرایط باید تحت عنوان يك قرارداد بین‌المللی مناسب بررسی و تنظیم گردد ، ولی از لحاظ نظری برای حل آن بدومورد ذیل می‌توان استناد کرد :

۱- شناسائی صلاحیت قضائی دولتی که مالک جسم پرتاب شده بفضاست به این ترتیب که صلاحیت قضائی و حق کنترل او در زمانی که جسم در فضای خارج جو و در هوای کشور بیگانه قرارداد حفظ شود . (البته با اجازه و موافقت دولت بیگانه مذکور) .

۲- صلاحیت قضائی و کنترل ، بدولتی که جسم فضائی در هوای کشور او واقع شده داده شود و دولت مذکور کنترل و نیز مسئولیت قضائی آن جسم و سرنشینانش را بعهده داشته باشد .

توافق بر سر مسئله حوزه قضائی مستلزم مشخص ساختن مرز بین ماوراء جو و فضای داخل جو است که متعلق به ممالک مختلف است و جزو حوزه قضائی آنان محسوب می‌شود .

با در نظر گرفتن سرعت عظیمی که يك جسم فضائی در زمان حرکت دارد برای کشوری که این جسم را پرتاب نموده ، مقرون بمصلحت است که در طول راهی که جسم در حین پرواز در داخل جو است مسئول قضائی خود جسم و کلیه سرنشینان آن باشد حتی وقتی که این جسم از فضای ممالک مختلف مجبور بعبور باشد و این در صورتی است که کشورهای بیگانه مربوطه موافقت نمایند .

این قرار داد فرضیه حقوقدانان غربی را مبنی بر اینکه اجسام پرتاب شده به فضا « تابعیت و ملیتی ندارند » و یا « اجسام بدون مالکیت » هستند ، رد میکند .

اعلامیه هیجدهمین اجلاس هیئت عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۶۲ متذکر نشده است که کنترل و مسئولیت قضائی بر تجهیزات فضائی و سرنشینان داخل این وسایل مادامی که بر سطح کرات دیگر قراردادند و یا مالکیت این اجسام اگر بر سطح کرات دیگر ساخته شوند به چه کسی تعلق دارد . ولی از طرف دیگر پیمان در مورد مالکیت اجسام و حوزه قضائی و کنترل آنها در صورتی که فعالیت‌هایی در سطح ماه و یا کرات دیگر بخواهند انجام دهند شرایطی دارد . طبق مفاد پیمان ، حق مالکیت دول نسبت به اجسام و آزمایشگاه‌هایی که بر سطح ماه و یا کرات دیگر آسمان بنا کنند حفظ میشود . بدون شك دولتی که پایگاه یا محلی برای تحقیقات بر سطح ماه مستقر می‌سازد از آنجا که مسئول تمام حوادث می‌باشد از

لحاظ قضائی دارای اختیارات قانونی بر تابعین خود در این پایگاهها و مسئول اداره تمام امور مربوطه است .

از آنجا که حق مالکیت بر اجسام بادولتی است که جسم مورد نظر را بفضا پرتاب کرده اند این وظیفه دولتهای دیگر است که در صورت کشف آن جسم در محدوده خاک خود آنرا بصاحب قانونی آن مسترد کند . مالکیت اجسام فضائی یا علائمی که هویت ملی آنها را معلوم و ثابت کند مشخص می شود . مثلاً اتحاد جماهیر شوروی پرچمی با کلیه مشخصات در سفائن فضائی خود قرار می دهد . شرایط بازگردانیدن اجسام فضائی و یا قسمت هائی از این اجسام در قرارداد مربوط به نجات فضا نوردان و بازگشت دادن فضا نوردان و اجسامی که بفضا پرتاب شده اند بتفصیل شرح داده شده است . این قرارداد در ۲۲ آوریل ۱۹۶۸ تصویب گردیده است . قرارداد تصریح دارد که اجسام و یا قسمتهائی از اجسامی که بفضا پرتاب شده اند اگر خارج از محدوده خاک دولتی که آنرا بفضا پرتاب نموده کشف شود باید به نماینده آن دولت تسلیم گردد مشروط بر آنکه نماینده مزبور اطلاعات کافی برای تشخیص هویت آن جسم قبل از فرود آن در اختیار مقامات مربوطه بگذارد و نیز باین نکته اشاره شده است که قرارداد ، دول را موظف میدارد در صورتی که چنین اجسامی را کشف کردند مراتب را بدولت مالک آن جسم و دبیرکل سازمان ملل متحد اطلاع دهند و برای بازگرداندن جسم و یا قسمت های آن نهایت دقت را در مورد حفظ و حراست آن بنمایند .

قرارداد به سؤال سوکمیسیون حقوقی سازمان ملل که در امور استفاده از فضا برای مقاصد صلح آمیز را رسیدگی میکند و دائماً با این مسئله روبروست که آیا تمام اجسام فضائی بدون استثناء وبدون توجه به ماهیت وهدف آن باید به دولت مالک مسترد شود ؟ و حتی آن هائی که در سرزمینی که جسم مزبور برای تخریب آن بکار رفته فرو آمده باشند و یاقط آن هائی که قصد وهدف تخریبی نداشته اند پس داده شوند ؟ جواب صریحی ندارد .^۱

از دکتربین حقوق بین الملل امروزه چنین بنظر میرسد که مقررات قرارداد ، در مورد استرداد اجسام فضائی بدولت مالک و پرتاب کنندگان آن جسم فقط در مورد اجسامی است که هدفشان خلاف اصول اساسی حقوق بین المللی نباشد . ما معتقدیم که توافق نامه نجات نیز فقط در مورد فعالیتها و تجسسات و استفاده از فضا در مواردی مجری گردد که موافق و مطابق اصول قرارداد فضا مصوب ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ باشد .

مسئولیت بین المللی دول در مورد فعالیت های ملی فضائی

پیمان فضائی مسئولیت بین المللی را که دولتها در برابر فعالیت های فضائی خود

۱ - به مدرک شماره، U. N. Document. A/AC . 105/c 2/L/2 .

Rev. 1, Rev. 2 , Rev.3.

سازمان ملل متحد مراجعه شود.

دارند خواه دولتی و خواه غیر دولتی تعیین میکند .
طبق مفاد پیمان ، فعالیت های بخش خصوصی در فضای ماوراء جو که شامل ماه و کرات دیگر آسمانی است باید با اجازه و تحت نظردایمی دولت تحت پیمان باشد .
(ماده ششم)

این اصل علامت ویژه فضاوردان را که از علامت اختصاصی دیگر مانند علامت هوانوردی و نیروی دریائی مشخص میسازد در نظر میگیرد . حتی در ممالکی که بخش خصوصی آنها در استفاده از فضا اختیاراتی دارند مثل ایالات متحده آمریکا ، پرتاب اجسام به فضا هنوز تحت نظارت دولت است . مؤسسه ماهواره های ارتباطی ^۱ برای پرتاب کردن و در مدار قرار دادن ماهواره های خود ، موشک های سازمان ملی هوانوردی و فضائی آمریکا ^۲ را « کرایه » می کند . بنابراین دولت دائماً در مقام و موقعیتی است که فعالیت های بخش خصوصی خود را تحت نظارت دارد .

ولی پیمان شرایطی در مورد ادامه حق نظارت و کنترل دولت ها بر فعالیت های فضائی بخش خصوصی خود ندارد . سؤالی که پیش می آید اینست که آیا اجازه ای که دولت ها به بخش خصوصی برای فعالیت های فضائی می دهند باید برای مدتی محدود و مشخص باشد و یا برای هر پرتابی باید این اجازه تمدید گردد ؟ ترتیب ادامه اختیارات باید چنان تنظیم شوند که دول دائماً سازمانهای خصوصی را که فعالیت های فضائی دارند تحت نظارت داشته باشند .

اعطاء امتیاز به بخش خصوصی برای اشتغال به فعالیت های فضائی اگر همراه با نظارت دائمی دولت مربوطه نباشد مغایر تعهدی است که دولت مزبور برای فعالیت های ملی فضائی ، خود را تحت اصول و مسؤولیت های بین المللی قرار داده است ^۳ .
از آنجا که فعالیت های دول برای تجسسات و استفاده از فضا مستلزم توسعه و گسترش سطح علمی و فنی و نیز اختصاص بودجه قابل توجهی است ، دولتها به بهره برداری از منابع واحد تمایل نشان میدهند . ^۴

1 - Communication Satellite Corporation.

2 - National Aeronautics and Space Administration (NASA).

۳ - ویلفرد جنکز (C. Wilfred Jenks) مخالف تمام روشهای ممکن برای محدود کردن این اصل است . به کتاب او حقوق فضا 13-211 PP. London, 1965 Space law مراجعه شود .

۴ - بعنوان مثال می توان به سازمان تحقیقات فضائی اروپا (ESRO) (European Space Research Organisation) و نیز سازمان توسعه پرتاب فضائی اروپا (ELDO) اشاره نمود .

(ELDO) European Space Vehicle Launcher Department
Organisationl.

با در نظر گرفتن چنین تمایلی در پیمان ذکر شده است که « هنگامیکه يك سازمان بین‌المللی فعالیت‌هایی در ماه و یا کرات دیگر آسمان انجام میدهد مسئولیت اطاعت از مفاد قرارداد بر عهده آن سازمان بین‌المللی و تمام دول تحت پیمان همکاری در چنین سازمانی میباشد ». ماده ششم .

در این قضیه بخصوص بنظر می‌آید که این مسئله فقط مربوط به سازمان‌های جهانی بین‌دولتها است . مسئولیت چنین سازمان‌هایی (مثل سازمان فضائی اروپا ESRO فقط مربوط به دولت‌هایی است که نمایندگان و یا اتباع آنها در این سازمان‌ها شرکت میکنند . زیرا چنانکه در پیمان قرار داد ذکر شده است دولت‌ها مسئولیت بین‌المللی فعالیت‌های فضائی سازمانهای خصوصی خود را که تحت نظارت دارند عهده دار میباشند . برای قیاس دولتها در فعالیت‌های فضائی سازمان‌های ملی که وابسته به سازمان بین‌المللی فضائی می‌باشند مسئولیت مشترك دارند .

اصل مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولتها در فعالیت‌های ملی فضائی شامل مسئولیت بین‌المللی جبران زیان‌هایی که اجسام فضائی بوجود می‌آورند نیز میباشد . قرارداد تصریح میکند که « دول تحت پیمان که اجسامی را به فضا ، ماه ، و یا کرات دیگر آسمانی پرتاب میکنند و یا وسائل این پرتاب را فراهم میسازند و نیز دولتی که از سرزمین و امکانات آنان برای پرتاب استفاده شده است از نظر بین‌المللی مسئول خساراتی هستند که بر دولت دیگر هم پیمان خود و یا افراد حقیقی و حقوقی آن ، توسط اجسام پرتاب شده و یا قسمت‌هایی از آن‌ها چه بر سطح زمین ، در هوا ، و یا در فضا که شامل ماه و کرات دیگر آسمانی است ، ایجاد نموده باشند ». ماده هفتم . در حال حاضر که دوره توسعه موشکی است پرتاب اجسام به فضا باید بعنوان یکی از عوامل ویژه خطر بحساب آید . و هر نوع خساراتی را که موجب شده باشد باید جبران شود بدون توجه باینکه دولت پرتاب‌کننده آن جسم مقصر و یا بی‌گناه باشد چنین مسئولیتی معمولاً مطلق تلقی شده است .

مسائل حقوق بین‌الملل که مربوط به مسئولیت در برابر خسارات وارده توسط اجسام فضائی است باید از طریق مقاوله نامه‌های بخصوص بین‌المللی تصفیه وحل شوند . مجارستان ایالات متحده آمریکا و بلژیک طرح‌های چنین مقاوله نامه‌هایی را به سوکمیسیون حقوقی «امور مربوط به استفاده از فضا برای مقاصد صلح‌آمیز» سازمان ملل متحد تسلیم نمایند . بر عهده مقاوله نامه‌است که تعیین کند در چه شرایطی مسئولیت مطلق برای جبران خسارت قابل اجرا نمی‌باشد و نیز شرح دهد که حوزه عمل چنین مسئولیت‌های بین‌المللی در صورت فعالیت‌های مشترك در فضا که شامل دو دولت یا بیشتر و یا سازمانهای بین‌المللی باشد ، به چه صورت خواهد بود ، و حدود جبران خسارت را تعیین نماید .

بعقیده ما مسئولیت مطلق جبران خسارت در موارد ذیل قابل اجرا نیست :

۱ - تصادم و برخورد اجسام در فضا .

۲ - حوادث طبیعی .

۳ - عمل عمد ، بی احتیاطی یا اشتباه از طرف دولت مدعی و یا افراد حقیقی یا حقوقی که نماینده دولت مزبور باشند .

و اما راجع به قلمرو موافقت نامه های آینده بین المللی ، در برابر مسئولیت جبران خسارت ، عقاید مختلفی ابراز شده است . این قرار داد ظاهراً شامل قضایائی مثل خساراتی که توسط اجسام فضائی در محدوده سرزمین دولتی که آنرا پرتاب میکند و یا خساراتی که بر افراد حقیقی و حقوقی و هم چنین سازمانها و مؤسساتی که در کشور بیگانه وارد میکنند نمیباشد بلکه در چنین موارد خسارت باید بر طبق قوانین دولتی که مسئولیتها بر عهده او است تأمین گردد .

مسئله مسئولیت مشترك برای جبران خسارات وارده در صورتیکه دو یا چند دولت فعالیت های فضائی مشترك داشته باشند ، باید بر اساس اصل مربوط به مسئولیت دول و حق ادعای خسارت از مدافعان هم پیمان ، با اتخاذ تصمیمات متناسب ، صریح و روشن شود . ظاهراً تقسیم خسارت میان دولتها به نسبت مسئولیتی که بهمه دارند ، روش مناسبی برای حل این مسأله بنظر میرسد .

از آنجا که سازمانهای بین المللی روز بروز اکتشافات فضائی خود را توسعه میدهند ، کاملاً طبیعی است که مسئله مسئولیت آنها برای جبران خسارات وارده بوسیله سفاین فضائی باید مورد توجه قرار گیرد .^۱

در طرح مقاله نامه مسئولیت وجبران خسارت ، لازم است که حدود جبران خسارت تعیین گردد . ولی بهر حال باید دقت لازم بکار رود که طرح این سؤال باعث بوجود آمدن مانعی برای تهیه طرح معاهده نشود . بخصوص اگر شرطی در این معاهده گنجانیده شود مبنی بر آنکه جبران خسارت شامل خساراتی که توسط جسم فضائی که حامل راکتور اتمی بوده است نمی شود . مسأله طرح دعوی و روش جلب رضایت آنها بسیار مهم می باشد ، همانطور که مسأله مربوط به تشریک مساعی متناسب در تنظیم قرارداد نیز حائز اهمیت است .

1 - J. Herczeg, « Some Legal Problems of Responsibility Arising From Outer Space Activities », Question of International Law, Budapest, 1966. P. 89-96

و همچنین سازمانهای بین المللی برای همکاری در فضا و مسئله تعهد و مسئولیت در فعالیت های فضائی ، نوشته (M. Bourly) هتتمین جلسه گفتگوی آن در باره قوانین فضا ۱۹۶۵ .

منع آزمایشات در فضا و کرات آسمانی که بالقوه عواقب زیان آوری را دارا هستند

در پیمان چنین ذکر شده است : « در اکتشافات و استفاده از فضا که شامل ماه و کرات دیگر آسمان است دول متعهد باید توسط اصل همکاری و کمک های مشترك راهنمایی شوند و تمام فعالیت های ایشان در فضا یعنی ماه و دیگر کرات باید با توجه به منافع مربوط به تمام دول تحت پیمان صورت گیرد . دول متعهد باید برای ادامه مطالعات فضائی خود در باره ماه و کرات دیگر و نیز اداره اکتشافات خود چنان مراقبتی را بکار برند که موجب آلودگی مضر و نیز تغییرات ناسازگار برای محیط کره زمین که با ورود عناصر خارج از کره خاکی ایجاد میشود پرهیزند و نیز اقدامات لازم و مناسب را برای این منظور بعمل آورند » . ماده نهم .

در سال ۱۹۶۶ متجاوز از ۶۰۰ جسم فضائی در مدار زمین در حال حرکت بودند . و اکثر آنها مأموریت خود را بانجام رسانده اند و دیگر ارزش علمی ندارند و بنا بر این برای جلوگیری از انباشته شدن فضا و کاهش این اجسام بحد اقل که به گردش خود بدور زمین ادامه می دهند ولی دیگر دارای اهمیت علمی و عملی نیستند باید اقداماتی صورت گیرد ، (برای این منظور باید قرار داد خارج نمودن اجسام بی مصرف « مرده » امضاء شود) اجسام بی مصرف « مرده » باید از فضا خارج شوند . ضمناً این مسئله نیز مطرح است که از پخش امواج رادیویی این اجسام فضائی که مأموریت آنها بانجام رسیده است جلوگیری بعمل آید .^۱

انباشته شدن فضا از اجسام نه تنها خطر تصادم آنها را با یکدیگر در بر دارد (که محتملاً پس از زمان پرتاب مدت زیادی فاقد اهمیت خواهند بود) بلکه ایجاد تداخل امواج رادیویی می نمایند که مسئله مهمی است (و فعلاً به صورت مسئله مهمی در آمده است) . رصد کردن اجسام فضائی که مأموریت خود را بانجام رسانده اند با گذشت زمان ممکن است توسط ایستگاههای زمینی غیر ممکن شود .

۱ - در سال ۱۹۶۳ در ژنو « کنفرانس اداره فوق العاده رادیو » تبصره های مناسبی برای مواد ۷ و ۱۴ مقررات رادیویی بین المللی اقتباس نمود . در حال حاضر ماده هفتم بشرح زیر است : « ایستگاههای فضائی باید چنان ساخته شوند که پخش امواج رادیویی آنها توسط وسائل مناسب (عمر باتری ، وسیله خودکار و یا فرمانی از زمین و غیره) قابل قطع باشد . ماده ۱۴ میگوید : « ایستگاهها باید مجهز به ادوات مناسبی باشند تا در صورت لزوم تحت شرایط این مقررات بتوان فوراً پخش امواج رادیویی آنان را قطع نمود (مواد نهائی کنفرانس اداره فوق العاده رادیو مربوط به تخصیص امواج ویژه برای مقاصد ارتباطات فضائی ، مصوب ژنو ، صفحه ۸۵ تا ۱۱۵) .

جلوگیری از آلودگی فضا . شامل منع آرایش آن توسط مواد شیمیائی ، بیولوژی و رادیو اکتیویته نیز میباشد .

منع آلودگی فضا با مواد رادیواکتیویته بکوشش پیمان ۱۹۶۳ مسکو که مربوط به منع نسبی آزمایشات هسته‌ای بود تسهیل گردید و قرار داد بین اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا بتصویب رسید حاکی از این که اجسام حامل سلاح‌های هسته‌ای و یا سلاحهائی که قدرت تخریبی عظیمی دارند به مدار زمین پرتاب نشود . این موافقت نامه بعداً در تمدد نامه شماره ۱۸۸۴ در هیجدهمین اجلاس مجمع عمومی سال ۱۹۶۳ تأیید شد . نکته مهم دیگر در این باره پیمان ۱۹۶۷ است که عبارت از منع قرار دادن سلاح‌های هسته‌ای در فضا میباشد .

مراعات دقیق این شرایط توسط دول به میزان قابل ملاحظه‌ای خطر آلودگی فضا را از مواد رادیو اکتیویته کاهش خواهد داد . هم چنین وقت آن رسیده است که در زمینه‌ی رفع امکانات آلودگی فضا توسط سفاین فضائی که موتورهای موشک آنها هسته‌ای است و یا سوخت آنها را در آینده نیروی هسته‌ای تشکیل خواهد داد مطالعاتی صورت گیرد .

برای جلوگیری و کاهش عواقب مضر که آلودگی فضا ، ماه و کرات دیگر آسمانی ممکن است توسط عناصری از کره زمین در محیط آنان بوجود بیاورد ، لازم است که مقررات صریح و واضحی تدوین و تصویب شود . کره زمین نیز در مقابل ممکن است از عناصر غیر زمینی آلودگی پیدا کند که چنین امکائی نیز باید رفع شود . مهمترین نکته در اینجا تکمیل مقررات حقوقی در مورد استر لیزه نمودن سفائن فضائی و نیز رعایت اقدامات احتیاطی دیگر است که برای جلوگیری از آلودگی باید صورت گیرد .

مسئله مسئولیت دول در برابر خسارتی که بوسیله آلودگی یا انباشتن فضا ایجاد نمایند نیز مستلزم وضع مقررات مخصوص در حقوق بین‌الملل میباشد .

پیش‌گیری از انباشتن اجسام در فضا و آلودگی آن قسمتی از مسئله عمومی جلوگیری از عواقب بالقوه زیان آور آزمایشهای فضائی میباشد .

سازمان ملل متحد و سازمانهای بین‌المللی دیگر نسبت به این مسئله توجه خاصی مبذول داشته‌اند .^۱ احتیاج مبرم برای پیش‌گیری از عواقب زیان آور آزمایشهای که در فضا صورت می‌گیرد در سال ۱۹۶۴ بوسیله سو کمیسیون علمی و فنی سازمان ملل کمیسیون « استفاده‌های صلح آمیز از فضا » مطرح گردید و پیشنهادات این سو کمیسیون در گزارشی

۱ - کمیسیون تحقیقات فضائی The Committée on Space Research

(COSPAR) هیأت مشورتی مخصوصی را در ۱۹۶۲ مأمور رسیدگی برای کسب اطمینان در باره آزمایشاتی که بالقوه عواقب ناگوار ببار می‌آورند نمود ، این گروه گزارشی در این باره تهیه و به جلسه عمومی « کمیسیون تحقیقات فضائی » که در فلورانس در ماه مه ۱۹۶۴ تشکیل شده بود تسلیم نمود که موجب اتخاذ تصمیمات مخصوصی در این زمینه گردیده .

که کمیسیون مذکور به بیستمین اجلاسیه مجمع عمومی تسلیم کرد گنجانیده شده بود و در توافق نامه ۲۱۳۰ آن اجلاسیه در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ بتصویب رسید . اما در پیمان سال ۱۹۶۷ امکان تشکیل جلسات مشورتی بین المللی تصریح شده و مورد بحث قرار گرفته است و مسئولیت تشکیل چنین مذاکرات بر عهده دولتی است که در نظر دارد بازمایشی که ممکن است منجر به عواقب زیان آوری شود دست بزند و دولتی که در آزمایش سهم نیستند در صورتی که مقتضی بدانند حق دارند تقاضای تشکیل جلسات مشاوره بنمایند .

طریقه تشکیل چنین جلسات مشاوره ای بین المللی مستلزم دقت فراوان است . در حال حاضر هنوز کاملاً روشن نیست که چنین مذاکراتی چه موقع باید صورت گیرند ؟ (بلافاصله قبل از آزمایش و یا زمانی نسبتاً طولانی قبل از اقدام به آزمایش ؟) با چه کسانی این مشاوره باید انجام شود ؟ (با يك گروه بخصوص از دول ، تمام دول یا با يك سازمان بین المللی) مشاوره های بین المللی دقیقاً چه ایجاب می کنند ؟ و تا چه حد دول مجبور به رعایت آن می باشند و نیز نتایج حقوقی در مورد اعمالی که دولت مورد بحث ، بعد از کوشش های توأم با عدم موفقیت برای رسیدن به توافق ، در چنین جلسات مشورتی ممکن است بعهده بگیرد چیست ؟

حقیقت امر این که این قسمت از حقوق فضا هنوز مراحل ابتدائی توسعه خود را طی می کند .

د کمک به سرنشینان سفائن فضائی در صورت بروز تصادم ، خطر ، حوادث پیش بینی

نشده و یا فرود آمدن غیر عمد و اجباری »

ماده پنجم پیمان مربوط به کمک هائی است که به سرنشینان سفائن فضائی در صورت وقوع تصادم ، خطر ، حوادث پیش بینی نشده و یا فرود آمدن غیر عمد و اجباری می شود و نیز انتظار دارد که مقررات بین المللی ممکن برای تکمیل شرایط موجود تدوین گردد .

این شرایط دلالت بر این دارند که فضانوردان باید تمام فعالیت های خود را « بنفع تمام ممالک دنیا انجام دهند » و همچنین این فعالیت ها نباید مغایر با اصول اساسی حقوق فضا باشند که در قرارداد گنجانده شده است .

کوشش بعضی از نویسندگان غربی دائره به اعطای تابعیت جهانی به فضانوردان بدون رعایت حقوق داخلی و بین المللی راه حلی نیست که با خدمت آنها به بشریت قابل سنجش باشد .

فضانوردان تابعیت و ملیت خویش را در زمان پرواز در فضا و بهنگام بازگشت به زمین حفظ می کنند .

پیمان مقرر می دارد : برای همکاری بین المللی و کمک به فضانوردان به هنگام بروز تصادم ، خطر ، حوادث و یا فرود آمدن اجباری و نیز فعالیت های شان در فضا ، ماه و سایر کرات آسمانی از کمک های لازم مضایقه نشود . همکاری بین المللی برای نجات

فضانوردان در قرارداد مخصوصی در ۲۲ آوریل ۱۹۶۸ بتصویب رسیده است.^۱ این قرار داد دول تحت پیمان را متمدن می‌سازد که در صورت وقوع تصادم، خطر و حوادث و یا فرود آمدن اجباری و نیز در تمام مدت پرواز حتی در فضا یا بهنگام فرود بر سطح ماه هر نوع کمکی را بیدریغ در اختیار فضانوردان بگذارند. همکاری دول در ارائه کمکهای ایشان به محققین فضائی بمنظور حفظ جان و سلامت فضانوردان است و از نقطه نظر انسانی حائز کمال اهمیت است.

قرار داد این واقعبیت را در نظر دارد که سازمانهای فضائی بین‌المللی غیر دولتی مثل (LDO) سازمان بین‌المللی اروپای غربی (و یا ESRO) وجود دارند. قرار داد می‌گوید که عبارت «دولتی که جسمی را بفضا پرتاب کرده» شامل دولت و سازمان بین‌المللی که مسئول پرتاب بوده است می‌باشد مشروط بر آنکه سازمان مذکور حقوق و وظایف ذکر شده در قرارداد را رعایت کند و نیز اکثر ممالک عضو سازمان مذکور، قرارداد فضا را که مصوب ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ است امضاء کرده باشند.

ماده مربوطه قرارداد بر اساس ماده سیزدهم از پیمان فضا مصوب ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷ پایه‌گذاری شده است و تصریح می‌کند که شرایط و مفاد قرار داد مربوط به فعالیت‌های فضائی دول بصورت انفرادی و اشتراکی است و شامل سازمانهای بین‌المللی مشترک بین دول نیز می‌باشد. بنابراین حتی اگر قرارداد توسط سازمانهای بین‌المللی مشترک بین چند دولت بامضاء نرسیده باشد، در مورد آنها نیز قابل اجرا است. اتخاذ چنین تصمیماتی برای حفظ روشهای بین‌المللی بوده و به معنای آنست که سازمانهای بین‌المللی به عنوان طرف متمدن در قرار دادهائی از نوع چندجانبه یا عمومی بین‌المللی است راه داده نمی‌شوند بلکه سازمانهای فوق فقط تحت قرار دادهای دو جانبه با دول می‌توانند تعهدات معینی را بعهده بگیرند.

تصریح این مطلب که اکثر کشورهای عضو سازمانهای بین‌المللی بین دولتها باید در «پیمان فضا مصوب ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷» و نیز «قرار داد نجات» مصوب بیست و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل همکاری کنند، تضمینی است بمنظور آنکه این سازمانها تعهداتی را که بر عهده گرفته‌اند انجام خواهند داد.

نتیجه قرار داد نجات فضا نوردان، باز گشت دادن ایشان و باز گردانیدن اجسامی که بفضا پرتاب شده است بدون شك همکاری بین‌المللی را در زمینه کشف و استفاده از فضا توسعه بیشتری خواهد داد.

1 — Agreement On The Rescue of Astronauts, The Returning Astronauts, And The Return of Objects Launched Into Outer Space, Pravda, Ap. 23, 1968.

توسعه همکاری بین‌المللی در اکتشاف و استفاده صلحجویانه از فضا و کرات آسمانی

رؤیت اجسام پرتاب شده بفضا بوسیله دول باکمک وسائل بصری ، رادار ، رادیو و یا وسائل اشعه مادون قرمز صورت میگیرد .

چنین ادواتی تعیین : مدار گردش : موقعیت اجسام را در هر لحظه از پرواز ممکن می‌سازد. وسائلی که توسط آنها اجسام فضائی را می‌توان تعقیب کرد با استفاده از دوربینها ، اندازه گیری‌هایی که این اجسام انجام می‌دهند وهم‌چنین اطلاعاتی راجع به‌طرزکار خوداین اجسام کسب می‌نمایند .

دولتی که جسمی را به‌فضا پرتاب می‌کند طبعاً علاقمند است که آنرا تحت مراقبت و دید دائم داشته باشد ولی عملاً چنین کاری از سرزمین يك کشور امکان ندارد مگر آنکه از اقمار مصنوعی که فقط در يك مدار مشخص واقع هستند کمک گرفته شود . بنا بر این توسعه همکاری بین‌المللی برای نگهداری و حفظ اقمار مصنوعی که برای رؤیت و کسب اطلاعات از راه دور لازم هستند اهمیت خاص دارد . و این همکاری بسه طریق امکان پذیر است .

۱- دولتها از طریق COSPAR یعنی کمیسیون تحقیقات فضائی اطلاعات ومطالب را مبادله نمایند .

۲- دولتی که اجسام فضائی پرتاب می‌کنند با دولی که پایگاههای کسب اطلاعات دارند قراردادهائی تنظیم ومبادله کنند .

۳- دولت ها درمورد ساختمان و استفاده از پایگاههای کسب اطلاعات قرارداد هائی تنظیم کنند .

پایگاههای کسب اطلاعات برای پروازهایی که سرنشین انسان دارد نهایت اهمیت را دارند . نه تنها موقعیت این پروازها بلکه جان فضاوردان اغلب وابسته به‌تماس مداومی است که با زمین دارند .

بنا بر این آنچه ذکر شد نمایشگر آنست که کشورهایی که اجسامی به‌فضا پرتاب میکنند بدون هیچ تبعیضی وبرمبنای تساوی کامل ، حق استفاده از خدمات پایگاههای کسب اطلاعات در نقاط مختلف دنیا را دارند .

در ماده دهم پیمان چنین نوشته شده: « برای توسعه همکاری بین‌المللی بمنظور اکتشاف و استفاده از فضا که شامل ماه و کرات دیگر آسمان است برحسب هدفهای این پیمان ، دول متعهد باید براساس تساوی به دول هم پیمان خود که مشاهده پرواز و پرتاب اجسام فضائی ایشان را خواستار شده‌اند فرصت مشاهده را بدهند . نوع چنین فرصتی برای مشاهده ونیز شرایطی که تحت آن چنین روشی را می‌توان برقرار کرد باید از طریق انعقاد قرارداد بین دول مربوطه بمورد اجرا درآید .»

دولتی که اجازه میدهد دولت هم پیمان او در سرزمینش پایگاه کسب اطلاعات تأسیس کند ، به همین ترتیب در هنگام پرواز ماهواره های مصنوعی نباید مانع فرصت مشاهده دول دیگر هم پیمان خود گردد .

بسط روشی که پیش از روشهای دیگر مورد قبول ملل است نسبت به شرایطی که تحت آن شرایط کشورها فرصت مشاهده پرواز اجسام فضائی از خاک کشور بیگانه را دارند به توسعه همکاری بین المللی در اکتشافات فضائی کمک می نماید .

ماده یازدهم می گوید : دولت ها موافقتند تا آنجا که امکانات عملی و معقول اجازه می دهد ، اطلاعاتی که نتیجه فعالیت های آنها در فضا ، ماه و کرات دیگر آسمان می باشد تسلیم سازمان ملل و سازمانهای بین المللی دیگر بنمایند .

رویه بر این است که پرتاب سفاین فضائی از طرف خبر گزاری ها ، رادیو به اطلاع عموم رسانده شده و برای ثبت به سازمان ملل گزارش گردد . این روشی است که بر طبق توافق نامه ۱۹۲۱ در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۱ به تصویب رسیده است : (ماده شانزدهم) .

اتحاد جماهیر شوروی مطیع این توافق نامه است و پرتاب سفاین فضائی خود را مرتباً به سازمان ملل اطلاع می دهد .

اما چه کسی متصدی اعلام است ؟ اگر چندین دولت در پرتاب مشارکت داشته باشند اعلام آن بعهده کدام يك خواهد بود ؟ وقتی سوکمیسیون حقوقی که تحت نظر کمیسیون «استفاده های صلح آمیز از فضا» مشغول به کار بود این سؤال را در اکتبر ۱۹۶۴ مطرح و مورد بحث قرار داد و پیشنهاد کرد که دولی که مشترکاً پرتاب سفینه هایی را به عهده می گیرند موظف هستند تعیین نمایند کدام يك از این دول باید پروازها را اعلام کند .^۱ نظریه تبادل اطلاعات فنی و علمی در باره فعالیت های فضائی برای اولین بار در سال ۸-۱۹۵۷ که سال تهیه برای (LGY)^۲ سال ژئوفیزیک بین المللی بود مورد بحث قرار گرفت .

در سال ۱۹۵۷ کنفرانسی در واشنگتن تشکیل شد که جزوه مخصوصی برای مراکز جمع آوری اطلاعات ژئوفیزیک جهانی تهیه نمود . این جزوه حاوی پیشنهاداتی در مورد طرز اعلام پرتابهای اجسام به فضا بود .^۳

در کنفرانس کمیسیون تحقیقات فضائی (COSPAR) در واشنگتن در ماه مه ۱۹۶۲ جزوه فوق مورد تجدید نظر قرار گرفت و جزوه جدیدی که شامل مبادله اطلاعات

1 — U. N. Document A/AC . 105/21 Supliment 4 P. 4.

2 — IGY — International Geophysical Year.

3 — Anuals Of Internatinal Geophysical year. Vol. VI.

Igy Manual Of Rockcets And Satellites. PP. 465. 72.

در باره موشک ها و ماهواره ها و نیز نتایج اکتشافات آن ها بود جمع آورد و پیشنهاد شد^۱.

طی سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۲ اجسام فضائی به ترتیب زمان و تاریخ پرتاب بر طبق الفبای یونانی نام گذاری شده اند (مانند: لونا ۱ که آلفای ۱۹۵۹ لقب گرفته است). در جزوه کمیسیون تحقیقات فضائی روش نوینی برای نام گذاری اجسام فضائی پیشنهاد شده است که از اول ژانویه ۱۹۶۳ در گزارش نویسی پرتاب ها مورد استفاده قرار گرفته است.

سالنامه کمیسیون تحقیقات فضائی (۱۹۶۳) برای مبادله اطلاعات دول متعهد را تحت هیچ نوع فشار قانونی قرار نمی دهد بلکه مطالب خود را از اطلاعاتی که دول داوطلبانه و از روی صلاحدید و دلخواه خود را در اختیار کمیسیون می گذارند مهیا می سازد ولی به هر حال این پیشنهادات پایه ای برای همکاری علمی بین المللی در اکتشافات بوجود می آورد.

پیمان مربوط به اصول حاکمه بر فعالیت های دول می گوید: تمام پایگاهها تأسیسات، لوازم و وسائل نقلیه فضائی در ماه و کرات دیگر بر اساس معامله متقابل در اختیار نمایندگان دول تحت پیمان قرار گیرد. چنین نمایندگانی باید پیشنهاد ملاقات فضائی خود را قبلاً با اطلاع برسانند تا چنان چه لازم باشد جلسات مشورتی مناسبی ترتیب داده شود و حداکثر احتیاط های لازم برای حصول اطمینان در ایمنی این وسائل بشود و نیز از دخالت و ایجاد مزاحمت در کار عادی این وسائل احتراز لازم بعمل آید. (ماده دوازدهم). دیدار های دو جانبه از پایگاهها، تأسیسات، لوازم و وسائل نقلیه فضائی در ماه و کرات دیگر اگر با اطلاع قبلی کافی باشد فرصت های مطلوبی برای همکاری دول در امور مشکل و پیچیده اکتشافات در ماه و کرات دیگر فراهم می آورد. مثلاً ممکن است دول در آینده توافق کنند که از یک سکوی مشترک در ماه برای پرتاب سفاین استفاده کنند. انواع همکاری های دیگری نیز در سطح ماه کاملاً ممکن است و ملاقات های دو جانبه به پایگاهها تأسیسات، لوازم و وسائل نقلیه فضائی را می توان ترتیب داد. روش ملاقات هایی که بر اساس معامله متقابل در ماه و یا کرات دیگر صورت بگیرد بخصوص بمنظور توسعه همکاری بین المللی در اکتشافات و استفاده از فضا، ماه و کرات دیگر آسمان طرح ریزی شده است.

زمانی فرا خواهد رسید که گردشهای علمی نه تنها به ماه، مریخ و زهره ترتیب داده خواهد شد بلکه به دورترین نقاط عالم نیز چنین گردشهای علمی صورت خواهد گرفت.

۱- کمیسیون تحقیقات فضائی (COSPAR) بولتن اطلاعات شماره ۹، ژوئیه ۱۹۶۲ صفحات ۴ تا ۴۲.

نمایندگان کره زمین ممکن است با موجودات بسیار با هوشی ملاقات کنند و کاملاً امکان دارد که این ملاقات ها منتج به تفاهم مشترك گردد و نیز لازم شود که مقررات جدیدی که حقوق بین سیارات باشد تدوین گردد تا حاکم بر روابط ساکنان سیارات گوناگون باشد ولی به هر جهت در حال حاضر این مطالب به دنیای فانتزی تعلق دارند .

امروز مسائل حقوق بین المللی که در نتیجه فعالیت های فضائی دول بوجود آمده است باید حل و فصل شود و تمام کوششها باید برای تبدیل فضا بیک منطقه صلح و يك میدان همکاری بین المللی با ثمر که مفید بحال همه بشریت و تمام ممالک باشد صرف گردد .